

سقط جنین از دیدگاه فقه مقارن

احمد نعمتی (Ph.D.)

استادیار، گروه فقه، دانشکده الهیات، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

مسأله سقط جنین و احکام مربوط به آن در فقه اسلامی از مسائل مهم حوزه دینی به شمار می‌آید و با روند تکاملی و رو به رشد علوم جدید وارد حوزه علمی و مجامع پزشکی دنیا نیز گردیده است. فقه اسلامی در برابر خواسته‌های روز و نیاز بشری نمی‌تواند ساکت باشد و نمی‌تواند در برابر پیشرفت‌های علمی واپس‌گراید و خود را با آن همراه و هماهنگ نکند؛ زیرا دریافت‌های علمی جدید و مشکلات نوپیدا طبعاً در درک بعضی مبانی اصولی و فقهی و تشخیص موضوعات و مفاهیم و برداشت از متون دینی تأثیر خواهد گذاشت؛ بنابراین محققین حوزه‌های علمیه دینی که صیانت فقه اسلامی را بر عهده دارند لازم است بیش از پیش با مکاتب و آرای مختلف آشنا شده و موضوعات مهم فقهی را بر اساس دستاوردهای علمی جدید مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهند. مباحثی که در این مقاله به آن پرداخته شده است عبارتند از: ۱- تعریف جنین ۲- مراحل خلقت و شکل‌گیری جنین از قبیل نطفه (لقاح تخمک و اسپرم) ۳- مدت هر یک از مراحل جنینی ۴- بیان اختلاف نظر فقهای اسلامی نسبت به اطلاق لفظ جنینی که شکل‌گیری آدمی در آن نمایان نشده است و آن را فاقد حکم جنین می‌دانند ۵- سقط جنین در چه مرحله‌ای از مراحل حمل، جایز است؟ در پاسخ به موارد فوق باید گفت: اصل در سقط جنین بنا بر نظر امام محمد غزالی بر ممنوعیت است؛ ولی مذاهب و اندیشمندان معاصر در این موضوع اختلاف دارند: الف: از نظر مذهب حنفیه: در متون کتب فقهای حنفیه از جمله (الدرالمختار) بیان شده که سقط جنین قبل از دمیدن روح انسان در آن یعنی قبل از گذشت چهار ماه بر آن امکان‌پذیر است؛ اگرچه فقهای این مذهب اسقاط حمل را قبل از نفخ روح حرام ندانسته‌اند. ب: از نظر مذهب مالکیه: خارج ساختن نطفه ترکیب یافته با تخمک زن بعد از لقاح را هر چند قبل از گذشت چهار روز باشد جایز نمی‌دانند و حالت عذر را هم استثنا ننموده‌اند. یعنی حکم سقط جنین در مذهب مالکی در هر مرحله‌ای از مراحل جنین، حرام می‌دانند. ج: از نظر شافعیه: فقهای شافعیه در این قضیه دارای دو نظریه می‌باشند: ۱- نظریه قائل بر تحریم سقط جنین پس از استقرار نطفه در رحم اگرچه قبل از اتمام چهار روز باشد. ۲- عده‌ای دیگر از جمله ابواسحاق مروزی و شبر املسی با استناد به نظریه ابوحنیفه، سقط جنین را در مرحله نطفه و علقه مورد تسامح قرار داده‌اند و با عذر شرعی سقط آن را جایز دانسته‌اند اگر چه امام محمد غزالی سقط نطفه بعد از لقاح را در هر مرحله‌ای باشد حرام می‌داند. د: از نظر مذهب حنابله: فقهای این مذهب سقط جنین را با گذشت بیشتر از چهار روز بر آن را جایز نمی‌دانند. هـ: از نظر فقهای طاهری: اسقاط جنین را در هر شرایطی جایز نمی‌دانند و هیچ عذری را در سقط جنین موجه نمی‌شمارند. و: نظریه ترجیحی در میان مذاهب که استاد فقه مقارن دکتر عبدالکریم زیدان در کتاب المفصل بیان داشته این است: اگر سقط جنین به خاطر معالجه و یک مشکل شرعی باشد و مرحله جنین قبل از نفخ روح یعنی قبل از گذشت چهار ماه از آغاز حمل باشد سقط آن از نظر شریعت جایز است. تا آنجا که، بعضی اسقاط جنین در قبل از چهار ماه چه با عذر و چه بدون عذر را جایز می‌دانند. شیخ محمد شلتوت رئیس سابق دانشگاه الازهر می‌گوید: اگر به تأکید ثابت شود که بقای نوزاد پس از تحقق حیات آن دچار مشکلی از جمله مرگ می‌شود قواعد کلی شریعت، ما را به کمترین دو ضرر (اخف الضررین و اهلون المفسد تین) دستور می‌دهد. امروزه عده‌ای از علمای اسلامی به دلیل فساد زمانه و مشکلات اجتماعی، اسقاط جنین را جایز شمرده‌اند. نظر راجح دکتر یوسف قرضاوی استاد فقه مقارن در عصر کنونی بر این است که جنین پس از چهار ماه و نفخ روح در آن به عنوان یک انسان کامل محسوب می‌شود و هرگونه جنایت بر آن به مثابه جنایت بر انسان کامل است؛ تا آنجا که قوانین شریعت به زن حامله اجازه می‌دهد که ماه رمضان را به خاطر صیانت از حیات جنین افطار نماید و همچنین به خاطر حفظ جنین تاخیر قصاص از زن حامله محکوم به قصاص و یا محکوم به رجم را واجب می‌داند. موضوع (نفخ روح) ماسوای حیات حیوانی محض است و حیات حیوانی مسبوق بر حیات انسانی (نفخ روح) می‌باشد. بعضی از فقهای معاصر و متخصصین فقه مقارن در صورت نیاز و ضرورت سقط جنین را جایز دانسته‌اند و از نظر آنان جنین در چنین مرحله‌ای یک مایع محض و یا علقه‌ای از خون و یا مضعه‌ای از گوشت پاره است. دکتر قرضاوی تصریح می‌دارد که اگر از طریق علمی موثق ثابت گردد که جنین در شکم مادر ناقص الخلقه و یا به شدت ناقص‌العضو باشد که زنده ماندن آن بعد از ولادت یا در آینده برای خود و خانواده‌اش موجب عذاب و مشکلاتی باشد در اینجا به مفاد قاعده (الضرر یدفع بقدر الامکان) ضرر را به قدر امکان باید دفع کرد، سقط آن را جایز دانسته‌اند.

کلید واژگان: سقط جنین، فقه مقارن، دمیدن شدن روح.

مسئول مکاتبه: دکتر احمد نعمتی، دانشگاه مذاهب اسلامی، پلاک ۵، خیابان شهید مهرداد روانمهر، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان انقلاب، تهران، ایران.

مقدمه

تشویق اسلام بر بقای نسل و محافظت بر آن

خداوند متعال ازدواج را به منظور بقای نوع انسان وضع نموده و اگرچه قدرت خداوند متعال بی‌نیاز از اسباب است ولی حکمت ربوبیتش اقتضا دارد که مسببات ترتیب و تحقق یابند؛ لذا ازدواج را وسیله زاد و ولد قرار داده است. (احیاء علوم الدین، غزالی: ج ۲، ص ۲۲ تفسیر روح المعانی: ج ۲ ص ۳۱).

به دنیا آوردن فرزندان اگر همراه با خلوص نیت باشد یکی از قربات الهی است که انسان مورد پاداش و ثواب قرار می‌گیرد و ثانیاً در کثرت اولاد، مبحث خاتم الانبیا را به دست آورده آنجا در کثرت امتش بر سایر انبیا مباحث دارد.

حقیقت سقط جنین، دارای عوامل و احکامی است از جمله:

الف) مفهوم سقط جنین: جنین عبارت است از آنچه در شکم مادر پنهان است که آغاز آن ابتدای آبستنی و انتهای آن لحظه یا قبل تولد آن است. «سقط جنین» در اصطلاح فقها عبارت است از اینکه زن و یا حیوانی جنین خود را ناقص الخلقه یا قبل از تکمیل مدت حمل به صورت مرده یا زنده که نتوان زنده بماند، چه با اختیار خود، همچون مصرف دارو و چه با غیراختیار خود، ساقط کند که فقیهان بدان اسقاط، املاص و اجهاض گویند.

ب) عوامل وانگیزه‌های اسقاط جنین: عوامل و انگیزه‌های سقط جنین بسیار و متنوع است از جمله:

۱- رهایی از حمل نامشروع (زنا) تا حامل جنین مجازات جرم آن را بر خود بپوشاند و از لکه ننگین رهایی یابد.

۲- به منظور حفظ سلامت مادر که با تشخیص پزشک متخصص اگر جنین اسقاط نشود سلامت مادر را به خطر می‌اندازد.

۳- ادامه حمل، باعث بیماری و ناتوانی جسمی

در مادر گردد.

۴- به خاطر محافظت بر طفل شیرخوار که در صورت حاملگی قطع شیر گردد و پدر توان اجاره دایه شیرده برای آن را نداشته باشد و بیم از بین رفتن کودک باشد.

۵- اسقاط جنین به منظور رهایی از بیماری‌های موروثی و خصیصه‌های ژنتیکی است که به وسیله علم جدید به وجود آنها پی برده و در آینده نیز بیشتر پی‌خواهیم برد که مبادا این بیماری و ژن نسل به نسل و یا از اصول به فروع سرایت یابد.

۶- اسقاط جنین به منظور محافظت بر زیبایی و عدم شکستگی اندام زن و غیر اینها از قبیل فقر و عدم توان تربیت و ...

برای تحقق یافتن این گونه اسباب و اعتبار شرعی بدان لازم است. شرایط زیر را در برداشته باشد:

۱- اسباب ضروری حالا موجود باشند نه متوقعی و منتظره.

۲- نتایج حاصل از این اسباب و عوامل، به صورت یقینی باشند نه وهمی و خیالی.

۳- در میزان شرعی مصلحتی که بنا به دلیل ضرورت از اباحه محظوری همچون (سقط جنین) به دست می‌آید از مصلحت اجتناب از محظور و حرام و نادیدن گرفتن اسباب و عوامل آن، عظیم و با اهمیت‌تر باشد و هنگامی که اسباب روی آوردن به سقط جنین فراهم آید باید به مدت زمان حمل هم توجه کرد که آیا قبل از دمیدن روح در حمل است یا بعد از نفخ روح در آن.

ج) در چه موقع روح در جنین دمیده می‌شود؟: باید میان حیات سلولی و یا نباتی ماده اسپرمی و میان نفخ روح تفاوت قائل شد و باید دانست که حقیقت و ماهیت روح برای ما به دلیل قول خداوند متعال مجهول است که می‌فرمایند (

(۸) و دربارہ روح از

تو می‌پرسند بگو: از سنخ فرمان پروردگار من است و به شما دانش اندکی داده شده است. نطفه تا زمانی که به

به دنیا خواهد آمد و یا وجود حمل موجب لاغری و ضعف در وجود مادر گردد و ... و بیان شد که باید وجود آن شرایط حالی باشند نه متوقع، قطعی باشند نه وهمی و از آن مهم‌تر باید در میزان شریعت، مصالحی که به دلیل ضرورت از مباح شمردن سقط به دست می‌آید از مصالح اجتناب از محذور و نادیده گرفتن سقط جنین عظیم و بزرگتر باشد.

و سپس در صورت وجود آن شرایط و عناصر، جهت اقدام به سقط جنین باید توجهی به مدت زمان حمل بنمائیم که آیا قبل از نفخ روح است یا بعد از نفخ روح؟ علمای اسلامی در رابطه با اسقاط جنین قبل از نفخ روح دارای نظرات گوناگون می‌باشند تا آنجا که در یک مذهب فقهی اقوال و بیانات مختلفی به چشم می‌خورد

حکم سقط جنین در زمان قبل از نفخ روح

۱- اباحه مطلق:

این نظر از بعضی از فقهای حنیفه است که گفته‌اند: «انه بیاح الا سقاط بعد الحمل مالم يتخلق منه شیء والمراد بالخلق فی عبارتهم تلك نفخ الروح فيه»: اسقاط جنین بعد از ظهور حمل مادامی که در آن روح دمیده نشده باشد، مباح و جایز است و در اصطلاح و عبادت خیفان منظور از خلقت، همان نفخ روح است (ابن عابدین: ۳۸۰/۲، ابن‌الهمام، فتح‌الغدير، ۴/۹۵ کاشانی، بدایع‌الصنائع: ۳۲۵/۷).

نظر ابواسحاق مروزی از فقهای شافعی نهایتاً المحتاج، رملی: ۴۱۶/۸ (۲) و یکی از اقوال حنابله بر اباحه سقط جنین است در صورتی که آن سقط در آغاز مراحل حمل باشد، تا آنجا که گفته‌اند: نوشیدن داروی مباح برای اسقاط نطفه نه علقه، جایز است.

۲- اباحه با وجود عذر:

این نظر بعضی دیگر از فقهای مذهب حنفی است. ابن عابدین گفته است که اسقاط جنین بدون عذر جایز نیست و یکی از عذرها را قطع شیر حامله برای کودک شیرخوار دانسته‌اند (ابن عابدین ۳۸۰/۲).

دیواره رحم نجسید و سلول‌های آن تطور و تکامل را آغاز ننماید به عنوان جاندار محترمی به شمار نمی‌آید و همانگونه که خداوند متعال بیان فرموده جنین در رحم مراحل خلقت خود را می‌گذراند آنجا که می‌فرماید: »

« (مؤمن ۱۲-۱۴) (۲): به یقین

انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم سپس او را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه (آویزک) یعنی خون غلیظ جامد (است) در آوردیم سپس آن علقه را به صورت مضغه گردانیم و آنگاه از مضغه استخوانهایی ساختیم بعد استخوانها را باگوشتی پوشانیدیم آنگاه جنین را در آفرینشی دیگر پدید آوردیم آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است؛ و همچنین احادیث شریف نبوی در این خصوص روایت شده که مراحل جنینی را برای ما بیان می‌دارد، از آن جمله:

۱- پیامبر اسلام می‌فرماید: »

« (۳). هر

یک از شما در شکم مادر خود چهل روز نطفه است پس از آن چهل روز علقه است پس از آن چهل روز مضغه است پس از آن خداوند فرشته‌ای به سوی او می‌فرستد و او را به چهار کلمه مأمور می‌سازد و می‌گوید عمل روزی مرگ او را، و اینکه خوشبخت است یا بدبخت رقم بزنی پس از آن روح در او دمیده می‌شود.

حکم سقط (اجهاض) جنین قبل از نفخ روح: بیان شده است بعضی از اسباب سقط جنین عبارتند از خوف زن حامله بر حیات خود و یا در عدم سقط حیات شیرخواری را مورد تهدید قرار گیرد و یا نظر پزشک حاذق و یا پزشکان بر این باشد که جنین ناقص الخلقه

بعضی از فقیهان شافعی و حنابله که قائل به اباحه سقط بدون عذر هستند با این وجود عذر به طریق اولی آن را جایز شمرده‌اند (نهایة المحتاج ج ۸/۱۶۷).

شربینی از زرکسی نقل نموده است که اگر ضرورت باعث شد که زن حامله به خاطر سقط جنین اقدام به نوشیدن دارو کند هیچگونه ضمانتی متوجه ایشان نمی‌گردد (مرجع قبلی).

بنابراین هرگاه یکی از اسباب و عوامل سقط فراهم شد و زمان حمل هم از چهار ماه نگذشته باشد و آن شرایط سه گانه ضرورت هم که بیان شد حاصل گردد، جمهور علمای حنابله و بعضی از حنیفیان به جواز اسقاط حمل در خلال این مدت، فتوا داده‌اند؛ اگر چه جمهور فقهای مذاهب در صورت وجود ضرورت، در چهل روز اول اتفاق نظر دارند.

با تحقیق در عبارات علمای پیشین و متاخر، نظر راجح ما بر این است که اگر به وسیله‌ای از وسایل علمی روز به طور قطع ثابت شود که جنین دارای یکی از عیوب خطرناک وراثتی است که با حیات عادی جنین سازگار نباشد و یا آن عیب به نسل بعدی سرایت گردد، سقط آن قبل از دمیده شدن روح در آن جایز می‌باشد.

ولی عیب جنینی که معالجه آن از جهت طبابت و یا به صورت جراحی ممکن باشد و یا یکی از عیوب اندامی مانند نابینائی و یا نقص عضو به خصوصی در این عصر که مشحون از پیشرفت‌های علمی می‌باشد، نمی‌توان آن را به عنوان ضرورت اسقاط تلقی نمود. ولی وجود آن عیوب و علل به هر درجه و میزانی که باشند بعد از نفخ روح در جنین نمی‌توان آن را مجوزی برای اسقاط جنین معتبر دانست.

۳- کراهه مطلق:

در این نظر علی بن موسی از فقهای حنفیه است که بنا به روایت ابن عابدین از ایشان چنین است: سقط جنین در زمان قبل از نفخ روح مکروه است زیرا سرانجام نطفه در رحم حیات است و قیاس بر شکستن تخم پرنده

نسبت به کسی که در حال احرام است، دارد. این نظر، نظر فقهای مالکیه در زمان قبل از روز چهلیم و نظر یکی از اقوال مذهب شافعی نیز می‌باشد.

۴- تحریم:

نظر تحریم سقط جنین قول معتمد مذهب مالکی است (۱) که در دیر می‌گوید: «لایجوز اخراج المنی المتکون بالرحم و لوقبل الاربعةین یوما» اخراج منی قرار یافته در رحم اگر چه قبل از چهل روز باشد، جایز نیست و علمای مذهب گفته‌اند که (عدم جواز) در قول در دیره تحریم است.

مفهوم جنین

عبارت است از آنچه در شکم مادر پنهان است که آغاز آن ابتدای آبستنی و منتهای آن لحظه ما قبل تولد است. نظر ائمه مذاهب در مورد جنین:

امام شافعی می‌گوید: جنین هنگامی است که اسپرم و تخمک مراحل نطفه و علقه و مضغه را سپری نموده و روح در آن دمیده شده باشد (الام ج ۸ ص ۲۴۹).
فقهای مالکیه: جنین را هم بر مضغه و هم بر علقه اطلاق می‌نمایند و در سقط آن، دیه را واجب می‌دانند (شرح کبیر ۴ ص ۸۰۲).

فقهای حنابله: جنین را فقط بر مضغه اطلاق می‌نمایند و فقط در این مرحله بر سقط حمل دیه را واجب می‌دانند (المغنی ج ۴ ص ۸۰۲).

فقهای حنفیه: جنین را بر مضغه شکل گرفته اطلاق می‌نمایند و پایین‌تر از آن را فاقد حکم می‌دانند. (الدرالمختار ج ۳ ص ۵۹۰)

نظر راجح:

آنچه از اقوال فقها استنباط می‌شود این است که به هیچکدام از نطفه و علقه جنین گفته نمی‌شود و بر سقط آن دیه واجب نمی‌گردد.

مراحل خلقت و شکل‌گیری جنین

مطابق حدیث نبوی (ص) جسم حاصل از لقاح تخمک و اسپرم تا چهل روز نطفه است و از آن پس تا چهل روز

فقهای مذهب حنابله اسقاط نطفه را برای زن در قبل از چهل روز به وسیله داروی مباح جایز می‌شمارند: ولی اسقاط حمل پس از گذشت چهل روز بر آن - هر چند به دلیل بیماری زن باشد - را جایز نمی‌دانند: «ویباح للمراه القاء النطفه قبل اربعین یوما بدواء مباح» (الروض).

نظر مذهب ظاهری:

فقهای این مذهب اسقاط جنین را در هر شرایطی جایز نمی‌دانند و هیچ عذری را در سقط جنین موجه نمی‌شمارند.

نظر راجح در میان این مذاهب:

نظر راجح و مفتی به امروزی، همان نظریه استاد فقه مقارن، دکتر عبدالکریم زیدان است که در کتاب المفصل بیان داشته است و می‌گوید اگر سقط جنین به خاطر معالجه و یک توجیه شرعی بوده و مرحله جنین قبل از نفخ روح باشد - یعنی قبل از گذشت چهار ماه از آغاز حمل باشد - سقط آن از جانب شریعت اشکال ندارد و بعضی اسقاط جنین را در قبل از چهارماه - چه با عذر و چه بدون عذر - جایز می‌دانند و در این کتاب (المفصل) به نقل از درالمختار به آن تصریح شده است. «ولی سقط جنین پس از دمیدن روح در آن (یعنی پس از چهارماه از لقاح) قطعاً ممنوع و حرام می‌باشد ولی اگر مادری بخاطر معالجه اقدام به نوشیدن دارو نماید و به سبب آن جنین سقط شود اشکالی ندارد: ولی اگر به قصد اسقاط حمل باشد ضامن خواهد بود و اگر بیم آن رود که جنین پس از ولادت و بزرگ شدن دچار مشکل دیگر خلقتی و یا اجتماعی و یا ... شود نظر راجح بر این است که سقط جنین جایز می‌باشد».

شیخ محمد شلتوت: رئیس سابق دانشگاه الازهر مصر می‌گوید: «و اگر به صورت قطع ثابت شود که بقای جنین - پس از تحقیق حیات آن - منجر به مرگ قطعی مادر می‌شود، قواعد کلی شریعت ما را به کمترین دو ضرر (خف الضررین) دستور می‌دهد؛ زیرا بقای جنین - اگر مرگ مادر را به دنبال داشته باشد - جایز نیست و

دیگر علقه است و پس از آن چهل روز مضغه است (یعنی یک قطعه گوشت شبیه لقمه جویده شده می‌باشد) (تفسیر قرطبی ج ۱۲ ص ۶-۹).

سقط جنین

تعریف: اگر زن و یا حیوان حمل (جنین) خود را به صورت ناقص الخلقه و یا قبل از اتمام مدت حمل و یا خروج آن از رحم قبل از ماه چهارم دفع کند فقها بدان اسقاط، املاص یا اجهاض گویند.

اصل در شریعت بر ممنوعیت سقط جنین است و نظر امام محمد غزالی بر این است که سقط جنین در تمام مراحل جنین (از مرحله نطفه و... حرام و ممنوع می‌باشد (۱). ولی فقهای مذاهب در این باره نظراتی دارند:

نظر فقهای حنفیه:

از نظر فقهای حنفیه اسقاط جنین قبل از نفخ روح در آن - یعنی قبل از چهار ماه بر گذشت حمل - امکان‌پذیر می‌باشد و آنها می‌گویند: «یباح اسقاط الولد قبل اربعه اشهر ولو بلا اذن الزوج» (۲) ولی بعضی جواز آن را مشروط به وجود عذر موجه می‌دانند.

نظر مذهب مالکیه:

فقهای مالکیه اسقاط جنین را حتی قبل از چهل روز از گذشت نطفه جایز نمی‌دانند و می‌گویند: «ولا یجوز اخراج المنی المتکون فی الرحم ولو قبل الاربعین یوما و اذا نفخت فیه الروح حرم» (الشرح الکبیر) و نظر معتمد این مذهب قبل از نفخ روح، بر حرمت است (۱).

نظر مذهب شافعیه:

فقهای شافعیه دو نظر دارند: الف) نظریه قائل به تحریم سقط جنین پس از استقرار نطفه در رحم و قبل از اتمام چهل روز. ب) عده‌ای دیگر از جمله ابواسحاق مروزی و شبراملسی با استناد به نظریه ابوحنیفه سقط جنین را در مرحله نطفه و علقه مورد تسامح قرار داده‌اند و با وجود عذر شرعی سقط آنرا جایز دانسته‌اند (نهاییه المحتاج ج ۸ ص ۴۱۸).

نظر مذهب حنابله

اسقاط حمل در چنین شرایطی معین می‌باشد و نباید مادر را فدای نجات جنین نمود.»

استاد فقه مقارن و مجتهد توانمند دکتر یوسف قرضاوی در (الفتاوی المعاصره) ج ۲ ص ۵۴۱ می‌گوید: «جنین به اعتبار اینکه یک موجود زنده است دارای احترام خاصی می‌باشد تا آنجا که قوانین شریعت به زن حامله اجازه می‌دهد که ماه رمضان را به خاطر صیانت از حیات جنین افطار نماید و باز می‌ایم که شریعت به خاطر حفظ جنین تأخیر قصاص را از زن حامله محکوم به قصاص و همچنین محکوم به رجم را واجب می‌داند همانگونه که نمونه آنرا در داستان غامدیه می‌ایم و شریعت بر کسی که ضربتی بر زن حامله وارد آورد و باعث سقط جنین در شکم مادر گردد دیه را بر او واجب گردانیده است.»

در ارتباط با سقط جنین بعضی از فقها معاصر موضوع دیگری را به آن افزوده‌اند و آن اینکه اگر از طریق علمی موثق ثابت گردد که مطابق با سنت الهی جنین در شکم

مادر به طور شدیدی ناقص الخلقه است که زنده ماندنش بعد از ولادت و در آینده برای خود و خانواده‌اش موجب عذاب و مشکلاتی باشد، بر حسب قاعده (الضرر یدفع بقدر الامکان) عمل خواهد شد؛ ولی باید توجه داشت که چنین موضوعی با تایید یک تیم پزشکی متخصص جاری می‌گردد و تشخیص یک پزشک کافی نیست و نظر فقیهان اسلامی در عصر کنونی بر این است که جنین پس از چهار ماه و نفخ روح در آن به عنوان یک انسان کامل محسوب می‌شود و هرگونه جنایت بر آن به عنوان جنایت بر کودک بعد از زایمان تلقی می‌گردد.

لطف خداوند متعال بر این است که جنین مبتلا به نواقص الخلقه شدید بعد از ولادت و بر حسب عادت - همانطور که می‌بینیم و همانگونه که خود متخصصان بدان تاکید دارند - چندان عمر ننماید و زود بمیرد و چه بسا پزشکان در تشخیص خود - راجع به شدت نواقص جنینی - به اشتباه بروند.

منابع

- ۱- تفاسیر القرام (تفسیر قرطبی)
- ۲- الام امام شافعی
- ۳- مغنی المحتاج (خطیب شربینی)
- ۴- الشرح الکبیر (دردیر)
- ۵- المغنی (ابن قدامه)
- ۶- الدر المختار رد المختار (ابن عابدین)
- ۷- احیا علوم دین عزالی
- ۸- المفصل (زیدان)
- ۹- الفتاوی المعاصره (دکتر یوسف قرضاوی)
- ۱۰- الفتاوی الخانیه (قاضی خان)
- ۱۱- نهاییه الخانیه (قاضی خان)
- ۱۲- العده (شرح المعده)
- ۱۳- المحلی (ابن حزم)
- ۱۴- الفتاوی (شیخ شلتوت)
- ۱۵- فتح الباری (عسقلانی)
- ۱۶- البحر الرائق (ابن نجیم)